



ضرورت تدوین سیاست ها و راهبرد های نوین در حفظ پایداری نظام های خرد دهقانی در ایران

هاجر وحدت مودب^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه بوعلی

چکیده

نظام بهره‌برداری، در طول تاریخ ایران به لحاظ ارتباطات تنگاتنگ با مناسبات اجتماعی، فرهنگی، قومی و... به گونه‌های متفاوتی ظهور پیدا کرده اند؛ لذا بحث نظام‌های بهره‌برداری یک بحث اجتماعی و اقتصادی است؛ بنابراین مطلق کردن یک نوع الگوی بهره‌برداری بدون در نظر گرفتن همه جوانب، راهی نادرست بوده و کافی به مقصود نیست. در بین انواع نظام‌های بهره‌برداری موجود در کشاورزی امروز ایران، نظام‌های بهره‌برداری دهقانی به عنوان نظام غالب مطرح است که بهره برداران در این نظام با مشکلات عدیده ای روبرو هستند، و برای حصول توسعه روستایی باید راهکارهایی در جهت بهبود معیشت و کاستن از بیکاری پنهان این نظام بهره برداری، اندیشید. لذا این پژوهش با هدف بررسی راهکار های مناسب جهت حفظ پایداری نظام های خرد دهقانی انجام شده است، که به این منظور از روش مطالعه کتابخانه ای و اسنادی استفاده گردید. برای رسیدن به یک راهکار مناسب نگاهی به نظام بهره‌برداری مشابه در کشورهای توسعه یافته و سیاست های موجود در این کشورها و در صورت نیاز الگو برداری از مفید خواهد بود. در پی متوقف شدن فعالیت بسیاری از مزارع کوچک و متوسط سویس، دولت برای حفظ و ادامه حیات معیشت روستایی با حمایت از به کارگیری توریسم روستایی و فعالیت‌های جاری در این زمینه و کمک به ایجاد تنوع در محصولات موجب اشتغال در مناطق روستایی و ایجاد درآمدهای مستقیم و غیر مستقیم برای آنان گشت به طوری که امروزه نیز توریسم روستایی یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی روستاییان این کشور محسوب می گردد، در کشور چین نیز خرد شدن بیش از اندازه زمین‌ها بعد از اصلاحات ارضی مشکلاتی را در تأمین معاش روستاییان پدید آورد که مهاجرت شدید را در پی داشت؛ دولت چین اقدام به تأسیس و راه‌اندازی شرکت‌های کوچک صنعتی در روستاها نمود که بسیار موثر واقع شد از این رو می‌توان پیشنهاد کرد که در ایران نیز با اتخاذ سیاست‌هایی برای تنوع بخشیدن به اشتغال و منابع درآمدی و همچنین حمایت از طرح‌های اجرایی در محیط‌های روستایی جانی دوباره به نظام‌های خرد دهقانی بخشید تا این نظام به عنوان یک جز غیر قابل حذف از بدنه کلی نظام‌های بهره‌برداری ایران از یک اقتصاد معیشتی به اقتصادی پویا مبدل گردد.

واژه های کلیدی: نظام بهره برداری کشاورزی، خرده دهقانی، کسب و کارهای کوچک روستایی، اصلاحات ارضی.



بخش عمده ای از جمعیت کشور در مناطق روستایی سکونت دارند از این رو، همواره توسعه روستاها یکی از دغدغه ها و چالش های سیاست گذاران و مسئولان کشور بوده است. زیرا، اقتصاد غالب کشور به تولیدات کشاورزی و فعالیت های وابسته به آن متکی است که غالبا در مناطق روستایی انجام می گیرد. بنابراین، موضوع توسعه روستایی از یک سو برای بهبود بخشیدن به روش های سنتی تولیدات کشاورزی، بهره برداری بهینه از زمین و منابع تولید و توزیع متناسب محصولات کشاورزی و از سوی دیگر به منظور نوسازی اجتماعی و فرهنگی مناطق روستایی و ارتقای سطح زندگی مردم روستاها دارای اهمیت است. یکی از چالش های اساسی بر سر راه دستیابی به توسعه روستایی، بهبود شرایط زندگی به ویژه برای روستاییان فقیر است و از راه های رسیدن به این هدف، ایجاد اصلاحات در سیاست های کشاورزی است. از این رو، نظام های بهره برداری کشاورزی، به عنوان هسته مرکزی و عامل بلافصل تولید کشاورزی مطرح هستند، به طوری که می توان گفت در هر جامعه ای، مسائل نظام کشاورزی اساسی ترین و عمده ترین مسائل بخش کشاورزی را تشکیل می دهد (عبدالهی، ۱۳۷۷).

چنان که در گزارش بانک جهانی آمده است، در ترسیم راهبرد توسعه روستایی باید نگاه ویژه ای به نظام های کشاورزی صورت گیرد. این دیدگاه به صورت نهادینه کردن نظام ها در سطوح ملی و محلی در مناطق روستایی مد نظر قرار می گیرد (World Summit on Sustainable Development, 2002).

اهمیت پرداختن به نظام های بهره برداری کشاورزی مسئله ایست که دلایل متعددی لزوم آن را تایید می کنند، از طرفی غالب بودن نظام خرده دهقانی در ایران و مشکلات عدیده پیش روی بهره برداران در این نظام امری است که نیاز به توجه و بررسی ها اساسی دارد، که در نهایت با بررسی های صورت گرفته سعی در ارائه راهکارهایی متناسب با جامعه دهقانی در ایران داشته است.

مبانی نظری

در فرهنگ فانتانا^۱، نظام گروهی از عناصر بهم پیوسته است که برای مقصود خاصی گرد هم آمده است. "اصطلاح بهره برداری" نیز با معانی متعددی همچون سود بردن از چیزی، عمل برداشت از حاصل زراعت، سهم گرفتن، به فروش رساندن محصول کارخانه یا معدن مترادف است.

نظام بهره برداری را به لحاظ نظری می توان این چنین تعریف کرد: مجموعه ای از نیروهای تولیدی (فن، نیروهای تولید، منابع تولید، ابزار و نیروی کار) و روابط اجتماعی تولید است (ازکیا، ۱۳۸۲).

هر نظام بهره برداری از دو بخش نیروی کار، منابع تولید، ابزار، تکنیک و روابط اجتماعی متأثر از یکدیگر تشکیل می شود. بنابر این هر یک از نظام های بهره برداری کشاورزی دارای مشخصات و ترکیب خاصی از عوامل تولید است که وجه تمایز آن با سایر بهره برداری هاست و امکان طبقه بندی و شناسایی هر یک را ممکن می سازد. در مقوله نظام بهره برداری از دو اصطلاح شیوه تولید و نظام بهره برداری استفاده می شود. شیوه تولید بیانگر ویژگی های ساختاری و نظام بهره برداری جهت معرفی اشکال بهره برداری از منابع تولید مورد استفاده قرار می گیرد. تایلور شیوه تولید را اشکالی از مجموعه عناصر لازم جهت تولید عمل اقتصادی تعریف می کند. به اعتقاد وی شکل بندی های اجتماعی جهان سوم بر اثر نفوذ سرمایه داری جهانی مخلوطی از شیوه های تولید سرمایه داری و غیر سرمایه داری است (Taylor, 1979).

¹ Fontana



نظام های بهره برداری به طور خاص چهار وظیفه مهم تولید، نگهداری، سازگاری و نظارت را بر عهده دارند. تولید ناظر بر فرآیند اصلی نظام و نگهداری به معنای حفظ و حراست درونی نظام است. سازگاری، بقا و تناسب نظام را در بلندمدت تضمین میکند و نظارت به معنای مدیریت یا کاربرد قدرت برای هماهنگ کردن سیاست های نظام و رفع تعارض های درونی آن است. نظام های بهره برداری کشور را در قالب دو دسته زیر می توان مورد نقد و بررسی قرار داد :

دسته اول که از دیدگاه نظری نوسازی کمک گرفته اند، معتقد هستند که جامعه روستایی با اشاعه فنون و روش های جدید و سازمان های اجتماعی و نهادی مربوط به آن، مرحله گذار را طی کرده، از حالت سنتی بیرون آمده و ویژگی های یک جامعه کشاورزی جدید را پیدا کرده است. این دگرگونی به ویژه از طریق دخالت های دولت، اجرای قوانین ارضی، تزریق سرمایه، و ایجاد واحدهای بزرگ تولیدی حاصل شده است (ازکیا، ۱۳۸۲).

دسته دوم که از دیدگاه نظری وابستگی سود برده اند با اصل قرار دادن وابستگی نظام اقتصادی اجتماعی ایران به مادرشهرهای جهانی، به تحلیل رخدادهای کشور در همه ابعاد به ویژه کشاورزی و روستایی پرداخته اند. آنها به مسائل کشاورزی و روستایی از دیدگاه توسعه اقتصادی و سیاسی نگریسته اند و معتقدند که توسعه نیافتگی جامعه ایرانی و از جمله بخش کشاورزی و روستایی، نتیجه ساخت و یا ویژگی های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور نیست، بلکه تا حدود زیادی حاصل ارتباط مداوم اقتصادی میان ایران و کشورهای توسعه یافته در گذشته است (قنبری و نوری، ۱۳۸۶).

اشکال نظام های بهره برداری کشاورزی

نظام های بهره برداری های کشاورزی را صاحب نظران از زوایای مختلف و با تکیه بر مبنای مالکیت زمین طبقه بندی می کنند. چایانف نظام های بهره برداری خانوادگی یا دهقانی، فتودالی، سهم بری، سرمایه داری و اشتراکی را مشخص نمود. وی منحصر به فرد بودن هر یک از نظام های بهره برداری سرمایه داری، خانوادگی، سهم بری، فتودالی، و اشتراکی را تأیید و تمامی تلاش ها برای ارائه یک قالب نظری واحد و عمومی از نظام بهره برداری را نافرجام می داند (Chayanov, 1977).

گالسکی نظام های بهره برداری را بیشتر متمرکز بر نظام های زراعت جمعی می داند و معتقد است در جوامع روستایی، زراعت های گروهی را می توان نظر به ابعاد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن به چهار گروه زراعت های جمعی، زراعت های جمعی خانوارهای بی زمین، زراعت های گروهی و یا جمعی دولتی و زراعت های گروهی زارع ان طبقه بندی نمود (Galeski, 1987).

پیدایش نظام های بهره برداری در ایران سابقه ای بس دیرینه و همپای شکل گیری یکجانشینی دارد، اما گسترش نظام بهره برداری خانوادگی به زمان اصلاحات ارضی برمی گردد، چرا که شیوه های کشاورزی قبل از اصلاحات ارضی بیشتر مبتنی بر نظام ارباب رعیتی بود که پس از اصلاحات ارضی فروکش کرد و نظام های بهره برداری امروزی به ویژه، خانوادگی جانشین آن گردیدند که این نظام ها بخشی ضروری از سیاست های توسعه روستایی هستند (بدری و همکاران، ۱۳۹۰)، در این بررسی به طور اخص به نظام بهره برداری خرده مالکی به عنوان نظام بهره برداری غالب در ایران پرداخته می شود.

نظام بهره برداری خرده مالکی در ایران

از جمله نتایج و دستاوردهای حاصل از اجرای اصلاحات ارضی دهه چهل رونق بهره برداری دهقانی بود. بهره برداری دهقانی به نظامی اطلاق می شود که در آن بهره برداران سه عامل تعیین کننده نظام بهره برداری، یعنی مالکیت (تملك بر زمین های



زراعی) حاکمیت (حق تصمیم گیری و تعیین سرنوشت، یا به عبارت دیگر مدیریت کشاورزی)، و بالاخره فاعلیت (نظام کار و شکل فعالیت) را دارا می باشند. به بیان دیگر، در بهره برداری دهقانی مالکیت زمین و تأمین قسمت عمده نیروی کار و سایر عوامل تولید، اداره و مدیریت بهره برداری با خانوار کشاورز است (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳) البته در این تعریف اندازه بهره برداری به عنوان یک شاخص اصلی لحاظ نشده است.

نجفی (۱۳۸۲) معتقد است هرچند واحدهای دهقانی به دلیل وجود انگیزه های شخصی از مطلوب ترین بهره برداری ها بشمار می روند، لزوماً برترین آنها نیستند زیرا این نوع واحدها به اندازه ای کوچک هستند که بهره برداری اقتصادی از آنها امکانپذیر نبوده و در نتیجه پس انداز، سرمایه گذاری و انتقال فناوری های تازه را با محدودیت های مالی و فنی مواجه ساخته و در نتیجه افزایش بازدهی تولید و بهبود درآمد زارعین را با چالش های اساسی مواجه می کند. بدترین جنبه نظام های بهره برداری دهقانی پراکندگی قطعات اراضی مربوط به یک واحد دهقانی است.

روند تغییر واحدهای بهره برداری در ایران و جهان

طی سالیان اخیر بسیاری از کشورهای دنیا با معضلی به نام خردشدن و پراکندگی اراضی کشاورزی رو به رو بوده اند برطبق اظهارات Simons (1988) ۸۰ درصد از اراضی کشاورزی در دنیا به صورت خرد هستند.

آنچه مسلم است مسئله پراکنش قطعات کشاورزی مختص ایران نیست و در اکثر کشورهای دنیا با نسبت های مختلف وجود دارد. ولی نکته ای که حائز اهمیت می باشد، این است که کشورهای توسعه یافته همگام با توسعه در سایر بخش های اقتصادی، به امر توسعه در زیرساخت های کشاورزی نیز توجه خاص داشته و از پیشگامان امر یکپارچه سازی اراضی به شمار می آیند (Rafael et al. , 2002). اما در ایران نه تنها سیاست های موجود به یکپارچه سازی اراضی منجر نشده است بلکه در سال های اخیر می توان شاهد افزایش سرعت روند خرد شدن اراضی کشاورزی بود.

بر اساس سرشماری عمومی کشاورزی از مجموع ۳۴۷۳۳۸۳ واحد بهره برداری کشاورزی با زمین، تعداد ۳۰۱۱۴۶۱ (حدود ۸۶٪ درصد) را واحدهای زیر ۱۰ هکتاری تشکیل می دهد؛ که از این تعداد ۶۲.۳۴ درصد آن واحدهای زیر ۱ هکتار ۱۵.۴ درصد واحد های ۱ تا ۲ هکتاری، ۱۹.۲۲ درصد واحدهای ۲ تا ۵ هکتاری و ۱۲/۱۴ درصد واحدهای ۵ تا ۱۰ هکتاری می باشند (قدیمی و همکاران، ۱۳۹۱).

جدول ۱- تعداد واحد های بهره برداری و میزان اراضی کشاورزی

شرح	کمتر از ۱ هکتار	۱-۲ هکتار	۲-۵ هکتار	۵-۱۰ هکتار	۱۰-۵۰ هکتار	۵۰-۱۰۰ هکتار	بزرگتر از ۱۰۰ هکتار	جمع
بهره برداری	۱۲۰۲۵۰۳	۵۲۳۲۷۳	۷۹۶۱۰۸	۴۹۰۵۸۷	۴۲۹۵۷۶	۲۴۰۰۶	۸۳۴۰	۳۴۷۳۳۸۳
درصد	۳۴/۶۲	۱۵/۰۴	۲۲/۹۱	۱۴/۱۲	۱۲/۳۶	۰/۶۹	۰/۲۴	۱۰۰
اراضی کشاورزی	۴۰۷۰۷۰	۶۵۵۱۲۹	۲۳۷۷۰۹۱	۳۳۳۰۸۹۲	۷۵۳۴۶۱۲	۱۵۴۷۶۵۷	۱۹۲۲۷۴۷	۱۷۶۶۵۱۹۸
درصد	۳/۳	۳/۷۱	۱۳/۴۶	۱۸/۲۹	۴۲/۶	۸/۷۶	۱۰/۸۳	۱۰۰



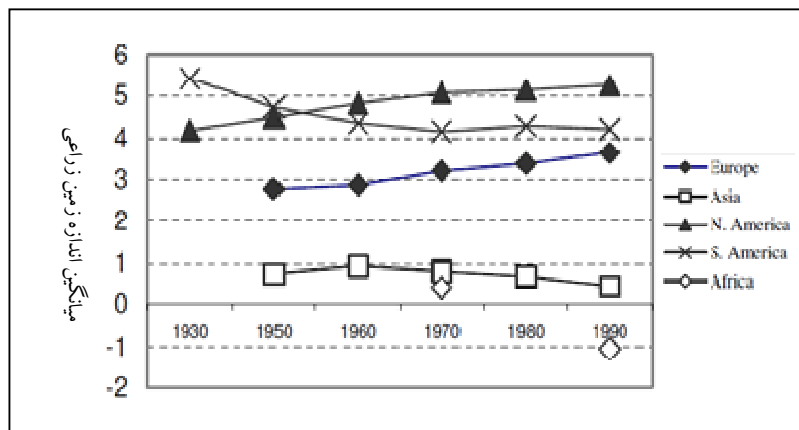
مقایسه اندازه واحد های بهره برداری در ایران با سایر کشور های اروپایی نشان می دهد که جز تعداد محدودی از کشور ها عمدتاً محدودیت اراضی کشاورزی روبرو هستند، در غالب موارد متوسط اندازه واحد های بهره برداری کشور بسیار کمتر از سایر کشور هاست. به بیان ساده تر تعداد قطعات بیشتر و اما اندازه آنها کوچکتر است.

جدول ۲- اندازه واحدهای بهره برداری ها در شماری از کشورهای اروپایی و مقایسه آن با ایران (۲۰۰۳)

کشور	کل اراضی کشاورزی (هزار هکتار)	تعداد واحد بهره برداری (هزار واحد)	متوسط اندازه مزارع (هکتار)
بلژیک	۱۳۷۰	۹۳	۱۴/۸
دانمارک	۳۷۹۸	۸۷	۲۳/۲
آلمان	۱۱۸۴۳	۷۰۵	۱۶/۸
یونان	۳۸۴۲	۹۵۳	۴
اسپانیا	۲۴۷۹۷	۱۷۹۱	۱۳/۸
فرانسه	۲۸۰۵۸	۹۸۱	۲۸/۶
ایرلند	۴۹۱۵	۲۱۷	۲۲/۷
ایتالیا	۱۵۵۴۴	۲۷۸۴	۵/۶
لوکزامبورگ	۱۲۷	۴	۳۰/۲
هلند	۲۰۲۴	۱۳۲	۱۵/۳
پرتغال	۳۳۳۱	۶۳۵	۵/۲
انگلستان	۱۶۷۵۱	۲۶۰	۶۴/۴
ایران		۳۴۸۱	۵/۰۷

همچنین مقایسه میانگین اندازه مزارع در نقاط مختلف جهان نشان می دهد، روند خرد شدن اراضی کشاورزی به ویژه در کشور های آسیایی صعودی است و هر ساله به دلایل مختلف تعداد بیشتری از مزارع بزرگ خرد می شود.

شکل ۱- مقایسه روند تغییر اندازه مزارع در قاره های مختلف





عوامل مؤثر در پراکندگی اراضی زراعی

در پراکنده بودن اراضی زراعی یک واحد بهره برداری عوامل مختلفی مؤثرند که عبارت اند از:

الف. اصلاحات ارضی

تجربیات تاریخی کشورهای مختلف این حقیقت را آشکار می کند که اصلاحات ارضی در بسیاری از کشورها موجب پراکندگی اراضی شده است. نوع پراکندگی که با انجام اصلاحات ارضی پدید می آید، هم به بهره برداری ها مربوط می شود و هم به قطعات داخل آنها. به این معنا که پس از اصلاحات، نه تنها بهره برداری ها افزایش یافته بلکه هر واحد بهره برداری نسبت به قبل، از قطعات بیشتری تشکیل می شود (احمدی، ۱۳۸۲).

ب. ارث

مسئله ارث که دارای ریشه های اجتماعی و مذهبی در جوامع روستایی است، از عوامل عمده تقطیع اراضی محسوب می شود، چرا که معمولاً بعد از فوت یا از کارافتادگی زارع، زمین میان وارثان تقسیم می شود (تقوایی، ۱۳۷۶) این مسئله در کشورهای اسلامی و اروپای غربی به عنوان عامل پراکندگی اراضی گزارش شده است (احمدی، ۱۳۸۲). قاعده رایج این است که به غلط باعث تقسیم زمین پس از فوت بهره بردار می گردد، درحالی که در بسیاری از مصادیق دیگر از جمله کارخانه ها، ماشین آلات، ساختمان ها و لوازم دیگر امر تقسیم در ارث به صورت تقسیم ارزش دارایی صورت م یگیرد، نه تقسیم عین دارایی.

ج. خرید و فروش

زمین کشاورزی به عنوان کالای اقتصادی تلقی می شود و در زمان نیاز اقتصادی به فروش می رسد (نه به عنوان منابع پایدار). خرید و فروش قطعات زمین زراعی بین بهره برداران نیز از عواملی است که می توان در تقطیع بیش از پیش بهره برداری ها را باعث شود. اما چنانچه با وضع مقرراتی بتوان خرید و فروش اراضی را در جهت تقویت تجمیع اراضی هدایت نمود، این عامل می تواند به یکی از راهکارها و سیاست های بسیار مؤثر و در عین حال کم خرج در جهت یکپارچه سازی اراضی تبدیل گردد (احمدی، ۱۳۸۲)

د. عوامل محیطی و بوم شناختی

اراضی زراعی در روستاها از نظر دوری و نزدیکی به جاده های ارتباطی، دسترسی به آب، کیفیت خاک، شیب زمین، سیل گیر بودن، ارتفاع، مورفولوژی، توپوگرافی زمین، نوع اقلیم و غیره شرایط یکسانی ندارند و هر کدام از این عوامل به نوبه خود باعث پراکندگی و تقطیع اراضی زراعی در روستاها می گردند (تقوایی، ۱۳۷۶)

ه. عوامل اجتماعی و فرهنگی

ساختار سنتی و مذهبی جوامع روستایی ایران و حاکمیت قوانین خاص همچون وقف، از جمله عوامل مهم اجتماعی مؤثر در پراکندگی اراضی زراعی محسوب می شود. سنت و آداب فرهنگی، تحول در خانواده های گسترده، و تغییر و تحول در شیوه های بهره برداری از زمین همچون اجاره های مالکانه، رشد جمعیت و عوامل متعدد دیگر، از جمله عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر در پراکندگی اراضی هستند (وئوقی و فرجی، ۱۳۸۵).

د. عامل کالبدی

عوامل کالبدی و همچنین دخالت های انسان در شکل طبیعی زمین (جاده، نهر و غیره)، در پراکندگی اراضی مؤثرند. بررسی ها نشان می دهد که در فرانسه، هندوستان، ایرلند غربی و برخی مناطق ایران عوامل کالبدی همچون ریخت شناسی، توپوگرافی



زمین، نوع پوشش گیاهی زمین، کیفیت خاک، دسترسی به آب، تناوب و جابجایی محصولات بر حسب اقلیم، فاصله مکانی اراضی از روستا، و شبکه هیدرولوژی در تقطیع اراضی نقش دارند (احمدی، ۱۳۸۲). انواع کاربری های اراضی با توجه به نوع جامعه از لحاظ رشد و توسعه، ساختار اقتصادی اجتماعی، و زمان از عوامل عمده در پراکندگی اراضی محسوب می شوند. از جمله عوامل عمده مرتبط با کاربری می توان به حصار کشی، تنوع سکونتگاه های روستایی، به ویژه نوع پراکندگی هسته ای، پل ها، کانال ها، راه آهن، ایجاد صنایع و سایر تأسیسات، تغییر شیوه بهره برداری، خانه سازی و تغییر کاربری اراضی از زراعت به باغداری و غیره اشاره کرد که همگی در پراکندگی اراضی زراعی نقش عمده ای دارند (ووثوقی و فرجی، ۱۳۸۵).

د. ضعف قوانین بهره برداری جمعی

ضعف در تدوین و اجرای قوانین که باعث می شود زمین کشاورزی به صورت جمعی بهره برداری گردد.

چالش ها و مشکلات بهره برداران خرده مالک

نظام خرده مالکی علاوه بر خردی و پراکندگی اراضی با مسائل دیگری از جمله ضعف سازمان و مدیریت و پایین بودن سطح اطلاعات، تکنولوژی و توسعه نیروی انسانی بی سواد و یا کم سواد، مشکل استفاده صحیح و مناسب از روش ها و فنون و ابزار ماشین آلات نوین کشاورزی در جهت افزایش بهره وری با حفظ منابع و محیط زیست و... روبرو است. بعضی از این چالش ها و مشکلاتی که دهقانان خرده مالک با آنها دست و پنجه نرم می کنند به طور اختصار در ذیل بیان شده است:

بهره وری

مطالعات انجام شده بازگویی آن است که در بین واحدهای بهره برداری کوچک و بزرگ از حیث میزان بهره وری تفاوت های چشمگیری وجود دارد و این تفاوت در ترکیب کشت در این دو گروه بهره برداری ها نیز تا حدود زیادی منعکس است. واحدهای بهره برداری کوچک اغلب به کشت محصولات زراعی کارطلب گرایش دارند در حالی که واحدهای بهره برداری بزرگ اغلب ناگزیر به محصولات استراتژیک با ضریب کارطلبی پایین تر روی می آورند (کمیته برنامه ریزی توسعه توانایی های تولید، ۱۳۷۶).

از طرف دیگر، تعداد خرده مالکان در ایران بسیار زیاد است و تعداد زیادی از آنها ساکن شهرها هستند. اینان زمین های خود را که معمولاً در حد معیشت یک خانوار است یا به افراد روستایی با نرخ بسیار پایین اجاره داده و یا به صورت سهم بری واگذار می کنند. در بسیاری موارد تنها برای حفظ موقعیت خانوادگی خود، آنها را در روستا به اقوام و خویشاوندان خود به طور مجانی واگذار کرده و یا اصلاً بدون کشت رها می کنند. این گونه افراد که زمین های خود را کشت نمی کنند و ضمناً آن را برای کشت به دیگران واگذار نمی کنند، ضرر قابل ملاحظه ای به جامعه زراعی ایران می زنند (لهسایی زاده، ۱۳۷۵).

مکانیزاسیون

وجود نظام خرده مالکی مانع بزرگی بر سر راه مکانیزاسیون کشاورزی است. از آنجا که اکثریت قطعات اراضی کشور در مساحت های نسبتاً کوچک و شیوه کشاورزی و زراعی اغلباً بر معیشتی استوار است، درآمد حاصل از این بخش جهت سرمایه گذاری برای تهیه ابزارهای مختلف تولید مکانیزه بسیار کم است. از طرف دیگر این مساحت های نسبتاً کوچک تا حدود زیادی ضرورت کاربرد گسترده ماشین های کشاورزی و مقرون به صرفه بودن مکانیزاسیون را نزد بهره برداران و کشاورزان خرده پا که تعداد قابل توجهی از تولید کنندگان در بخش کشاورزی را نیز تشکیل می دهند، زیر سؤال برده و یا مشکلات متعددی را بر سر راه توسعه



پایدار مکانیزاسیون ایجاد کرده است. مهم ترین راه حل و راهبرد جهت رفع این معضل و تسریع در روند توسعه مکانیزاسیون، تجهیز و یکپارچه سازی اراضی کشاورزی است.

مدیریت آب

در اراضی خرد و پراکنده، مدیریت صحیح مزرعه از لحاظ آبیاری و نیروی کار اعمال نشده و قطعه قطعه بودن زمین های زراعی موجب هدر رفتن نیروی کار زارع در رفت و آمدهای بین قطعات و افزایش هزینه بکارگیری نیروی کار می گردد، آب زراعی در جوی ها و قطعات متعدد تلف شده (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳) ، و استفاده از شیوه های نوین کشاورزی از قبیل استفاده از روش های آبیاری تحت فشار دشوار می باشد. از این رو با بهینه سازی نظام بهره برداری از عوامل و منابع تولید می توان به بازده محصول در واحد سطح افزود و هزینه های تولید را تا سر حد امکان کاهش داد.

کشاورزی پایدار

واحد های بهره برداری خرده مالکی که در پی توزیع زمین های زراعی، رشد جمعیت، و اعمال قوانین ارث به صورت عام وغالب نمود یافته اند، همبستگی مثبت و معنی داری با عمقی شدن کشت و افزایش عملکرد در هکتار واحدهای بهره برداری دارند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۲) خرده مالکان با توجه به کمی منابع تولید بالاخص زمین زراعی، برای تأمین معیشت خانواده بالاجبار به بهره گیری بیش از حد از ظرفیت های بالقوه زمین می پردازند. اغلب این کشاورزان در استفاده از آفت کش ها و سموم زیاده روی می کنند و این کار منجر به فعالیت های غیر پایداری کشاورزی در سطح بالا شده است و آب، زمین و محصولات را آلوده کرده است. همچنین استفاده بیش از حد از آب های زیرزمینی، فرسایش خاک و از بین رفتن رطوبت زمین را موجب شده است. بنابراین ضروری است که به کشاورزان درباره تأثیرات زیست - محیط این فعالیت ها آموزش داده شود و از انجام این فعالیت ها منع شوند. دولت نباید فقط آموزش را فراهم کند، بلکه باید ملزوماتی را به طور منظم برای استفاده از تکنیک های سالم و نهاده ها و تکنولوژی ها فراهم سازد. (Panth, 2006)

در حال حاضر اصلاح نظام های بهرداری در ایران می تواند موجب دستیابی به توسعه پایدار کشاورزی گردد، زیرا نظام های بهره برداری یکی از اصلی ترین و مهم ترین مسائل نظام کشاورزی کشور در بعد کلان و یا ساختاری است که هر چه در جهت گسترش نظام های بهره داری مناسب و بهینه با شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مناطق تلاش نماییم به وضعیت مطلوب تری از نظر کاهش میزان اتلاف انرژی، هزینه های تولید و افزایش عملکرد تولید از لحاظ بازدهی عوامل تولید، سوددهی، بهبود وضعیت زندگی کشاورزان و رضایتمندی آنان و نیز امکان انجام عملیات زیربنایی، ارتقاء سطح مکانیزاسیون و حفظ منابع دست خواهیم یافت.

چند پایگاهی و مهاجرت

کوچکی و پراکندگی زمین های دهقانان خرده مالک در ایران باعث گردیده است تا دهقانان به مشاغل دوم و سوم روی بیاورند و در مجموع با کشاورزان چند پایگاهی روبرو باشیم. این افراد نه دهقان مستقل خالص و نه کارگر خالص هستند، یا به عبارت دیگر هم دهقان مستقل هستند و هم کارگر(لهستانی زاده، ۱۳۷۵) علاوه بر این ها برخی از این کشاورزان زمین های خود را به فروش رسانده و به خیل کارگران و یا بیکاران روستایی و شهری می پیوندند، در این صورت مهاجرت از نتایج اجتناب ناپذیر این قشر اجتماعی است. از طرف دیگر معمولاً بخش فعال جمعیت که در پی اشتغال می باشند، از روستاها مهاجرت می کنند. اینان عمدتاً فرزندان دهقانان فقیر، کم زمین (خرده مالک) و اعضای خانوارهای روستایی بی زمین هستند (ازکیا، ۱۳۷۸) .



استثمار مضاعف

این نوع دهقانان معمولاً مبادرت به " استثمار مضاعف " اعضای خانوار جهت تولید مازاد هر چه بیشتر و در پی آن صرفه جویی شدید جهت انباش مازاد تولید شده است. از این طریق امکان خرید قطعه زمین دیگری و ملحق نمودن آن به واحد زراعی خود وجود دارد. حاصل این عمل بالا کشیدن خود به سطح دهقانان متوسط است (لهسانی زاده، ۱۳۷۵)

بهره مندی از خدمات ترویجی

گاهی کارکرد اصلی ترویج، ایجاد ارتباط میان تحقیقات کشاورزی و توصیه ها به کشاورزان است و گاهی برقراری تماس میان کشاورزان و منابع اطلاعات علمی و مفید از طریق کار گروهی سازمان یافته است. ترویج کشاورزی، عموماً با فعالیتی شناخته می شود که مروجان کشاورزی با برقراری روابط متقابل با کشاورزان، به آنها روش های پیشرفته، فنون جدید و شیوه های فنی مولدتر و یا کارآمدتر یا رهنمودهای فنی کشاورزی را می آموزند (امیرانی، ۱۳۷۹) و با توجه به این موضوع که پذیرش تکنولوژی رابطه مثبت و معنی داری با میزان زمین زراعی دارد (خالدی، ۱۳۷۸؛ ترکمانی و جعفری، ۱۳۷۷) قطعاً کشاورزان خرده پا توانایی پذیرش تکنولوژی در سطح مطلوب را ندارند و این عمل در کارکرد نظام های ترویجی مؤثر می باشد. از طرف دیگر صدیقی (۱۳۸۳) کشاورزان خرده پا را یکی از مهم ترین موانع و مشکلات بر سر راه توسعه ترویج خصوصی بیان کرده است. توده روستا (۱۳۸۲) معتقد است که ترویج خصوصی می تواند به شرکت های تعاونی تولید که کشاورزان خرده پا در آن عضویت دارند، خدمات ارائه دهد، چون هزینه ها توسط بسیاری از کشاورزان عضو پرداخت می شود، بار آن برای کشاورزان سنگین نخواهد بود. با توجه به خرد بودن اراضی زراعی در کشور، شاید این بهترین گزینه برای ارائه خدمات توسط ترویج خصوصی است.

راهکار های بهبود جامعه خرده دهقانی

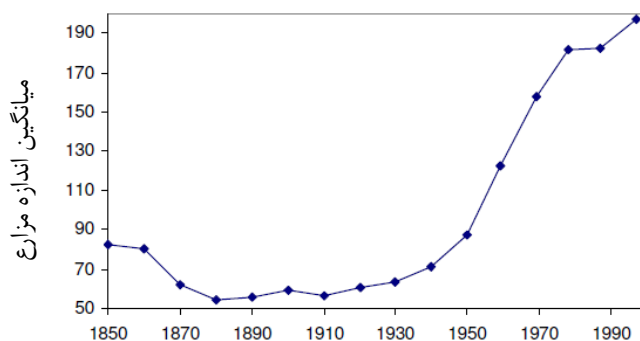
یکی از اساسی ترین مشکلات اقتصادی بخش کشاورزی سنتی در گذشته و در حال حاضر پایین بودن میانگین درآمد روستاییان است. پایین بودن درآمد خود علت بسیاری از نابسامانی ها از جمله افزایش فقر، نابرابری، مهاجرت و غیره است لذا باید تمهیداتی را برای رفع این مشکل اندیشید.

تجارب و راهکار های کشورهای مختلف در زمینه خرده دهقانی

آمریکا

آمریکا با اعمال سیاست هایی به منظور یکپارچه سازی اراضی توانسته مشکل خرد بودن قطعات زمین های کشاورزی را حل کند، به طوری که از اواخر قرن نوزده تا اواخر قرن بیستم شاهد افزایش مستمر با سرعت افزایشی در میانگین اندازه مزارع این کشور هستیم.

شکل ۲- میانگین اندازه مزارع USA از سال ۱۸۵۰





منبع: (US Department of Commerce (1975, 2000)

پاراگوئه

پایین بودن سطح زیر کشت در نظام کشاورزی دهقانی در مناطق شرقی پاراگوئه، باعث کاهش درآمد و ریسک بیشتر و در نهایت پایین آمدن کارایی این نظام شده است که می توان با افزایش سطح فناوری و تغییر الگوهای کشت، کارایی را بالا برد (Bravo-Ureta and Evenson, 2001).

سوئیس

در پی کاهش تعداد مزرعه های سوئیس از سال ۱۹۸۵ که کارشناسان اعلام کردند در حدود ۲۰۰۰ مزرعه متوسط و کوچک فعالیت های خود را در هر سال متوقف می کنند، سیاست توسعه مزارع روستایی در سوئیس مورد توجه مقامات این کشور قرار گرفت. هدف از اجرای این برنامه افزایش مساحت مزرعه ها و افزایش املاک کوچک روستایی بود که هرچند هنوز موجود بودند اما برای ادامه حیات خود به کمک و ایجاد تنوع در محصولات و فعالیت هایشان نیاز داشتند که یکی از این فعالیت ها به کارگیری توریسم روستایی و فعالیت های جاری در این زمینه بود. آموزش توریسم روستایی برای روستاییان و متقاضیان این حوزه از طریق سازمان دهی اتحادیه هایی انجام شده است که تامین کننده خدمات ویژه ای در این حوزه هستند و مرکز توسعه کشاورزی سوئیس از جمله این سازمان هاست که در غرب و شرق سوئیس فعالیت گسترده ای دارند. فعالیت های آموزش توریسم روستایی نیز در بخش فرانسوی زبان سوئیس تمرکز یافته که هدف از این فعالیت ها ایجاد گروه های کاری دائمی برای آموزش کشاورزان و علاقمندان است. حاضر این سازمان های آموزش در شبکه ای موسوم به FOCAR با یکدیگر ارتباط و همکاری دارند که به طور هماهنگ با یکدیگر سازمان ها و موسسه های آموزشی وابسته را تحت پوشش قرار می دهد (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲).

چین

سیاست های دولت چین پس از انقلاب کشاورزی، تأثیری شگرف بر اقتصاد ملی این کشور بر جای گذاشت و کشاورزی نیز به عنوان زیربنای اقتصادی چین از این تأثیرات در امان نماند. اصلاحات ارضی کشور در دهه ۱۹۵۰ که بدون توجه به اوضاع اقتصادی و فرهنگی چین انجام شد، رکورد شدیدی در بخش کشاورزی پدید آورد. در طی این دوران نزدیک به ۴۷ میلیون هکتار زمین کشاورزی از دست مالکان خارج شده و در اختیار کشاورزان بدون زمین قرار گرفت در سال ۱۹۷۸ و در شروع اصلاحات، بیش از ۳۵۰ میلیون کشاورز در چین وجود داشت که ۱۰۰ میلیون هکتار زمین کشاورزی در اختیار داشتند. بدین ترتیب زمین کشاورزی هر خانوار تنها نزدیک ۰/۶ هکتار وسعت داشت. مساحت اندک زمین های کشاورزی مشکلاتی را در تأمین معاش روستاییان پدید آورده بود. کشاورزانی که نمی توانستند از طریق کشاورزی امرار معاش کنند، دچار فقر شده و بخشی از آنها به شهرها مهاجرت کردند.

تا قبل از انجام اصلاحات اغلب روستائینان در بخش کشاورزی مشغول به کار بودند. در سال ۱۹۹۱ حدود ۳۵۰ میلیون کشاورز به کار اشتغال داشتند که این تعداد تا سال ۱۹۹۷ به ۱۹۰ میلیون نفر کاهش یافت. نسبت افراد شاغل در بخش کشاورزی به کل شاغلان این کشور روز به روز کاهش می یابد و در حال حاضر به نزدیک ۵۰ درصد رسیده است (دبلیو لانگ ورث، ۱۳۷۹).



روستاهای چین، تا قبل از انجام اصلاحات نقش " انبار نیروی کار " را برای شهرها ایفا می کردند. در مواقعی که شهرها نیاز به نیروی کار به ویژه نیروی کار ارزان قیمت داشتند، روستاییان برای کار جذب شهرها می شدند و در مواقعی که به دلیل رکورد اقتصادی در شهرها، نیازی به نیروی کار جدید نبود، روستاییان مهاجر دوباره به روستاهای خود باز می گشتند برای حل این معضل دولت چین اقدام به تأسیس و راه اندازی شرکت های کوچک تولیدی و صنعتی در روستاها و شهرک ها نمود. این شرکت ها، شرکت هایی نیمه دولتی محسوب می شوند که با پشتیبانی دولت و توسط جمعی از روستائینان تأسیس شده و تحت قوانین محلی و منطقه ای اداره می شوند، دولت مرکزی چین دخالت چندانی در اداره این شرکت ها ندارد (رحمانی و نقوی، ۱۳۹۱).

چایانف با توجه به مقتضیات روسیه قبل از انقلاب و عدم وجود تکنولوژی امروزی، واحد های بزرگ سرمایه داری را به لحاظ عدم مدیریت کافی و بهینه قابل هضم در بهره برداری های دهقانی می داند. (Chayanov, 1977)

ضرورت یکپارچه کردن اراضی کشاورزی

یکپارچه سازی اراضی سیاسی در ارتباط با تغییر اندازه زمین برای بهبود و افزایش تولید محصولات کشاورزی، عقلانی کردن بهره برداری ها، استفاده از ماشین آلات و فناوری جدید زراعی و سرانجام، دستیابی به توسعه روستایی و کشاورزی است. (Dijk Van, 2002؛ امیرنژاد، ۱۳۷۸)

یکپارچه سازی اراضی عبارت است از به هم پیوستن اراضی پراکنده زارعان یک روستا و فرایندی از اصلاحات بدون ایجاد تغییر در میزان مالکیت (Sonnenberg, 2002) ارضی که در آن، تغییر پراکندگی زراعی با شکل جدید بهره برداری در یک مکان و یا طرح یکپارچه سازی در چند مکان صورت می گیرد (Lindenmaier et al, 2003)

مزایای یکپارچه سازی اراضی کشاورزی

مطالعات انجام شده در زمینه یکپارچه سازی اراضی بیانگر اهمیت آن در توسعه و بهبود وضعیت کشاورزی به لحاظ افزایش محصولات کشاورزی و بهبود سطوح درآمدی کشاورزان است که این امر با توسعه روستایی همراه و سبب بهبود کارایی عوامل می شود:

1. گامی مهم در راستای بهبود کارایی نیروی کار، بهره وری بهینه از آب و اراضی کشاورزی است
2. یکپارچه سازی اراضی با افزایش سطح زیر کشت، بهبود و افزایش عملکرد در واحد سطح، عقلایی نمودن بهره برداری ها، استفاده از ماشین آلات فن آوری های جدید زراعی
3. بهبود مدیریت آب و زهکش، بهسازی مزارع، حفاظت آب و خاک و محیط زیست، مبادلات و ارتباطات، افزایش درآمد بهره برداران و بهبود سطح زندگی روستاییان، کاهش هزینه های تولید، افزایش سرمایه گذاری جهت انجام امور زیر بنایی، از بین رفتن مرزهای غیر ضروری
4. کاهش تعداد قطعات، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها، مکانیزه شدن کشاورزی، استفاده از دستاوردها و تجهیزات علمی و فنی پیشرفته، گسترش روحیه تعاون و مشارکت در کشاورزان و سرانجام سازما ندهی و توسعه بخشی روستایی را به دنبال دارد.

عوامل بازدارنده یک پارچه سازی اراضی:

- 1- کم سواد و افزایش سن اکثر بهره برداران با زمین که در اکثر تحقیقات به عنوان عوامل موثر در عدم پذیرش روش های نوین مورد تاکید قرار گرفته است.



2- وجود برخی تجارب ناموفق که در اثر کم اطلاعی دست اندرکاران اجرای طرح های یک پارچه سازی در برخی مناطق، از جمله شمال کشور، به چشم می خورد.

3- عدم ثبت تغییرات جدید پس از یک پارچه سازی اراضی در اسناد مالکیت.

4- عدم شکل گیری نظام حقوق بهره برداری مناسب، که پس از یک پارچه سازی مجدداً به لحاظ مسایل ناشی از ارث و سایر موارد، اراضی خرد شده اند.

5- ضعف در دستورالعمل های اجرایی عملیات یک پارچه سازی متناسب با مناطق مختلف کشور.

باید پذیرفت که علاوه بر وجود موانعی از این دست بر سر راه یک پارچه سازی، ما هنوز نتوانسته ایم سیستمی را شناسایی و معرفی کنیم که بتواند جایگزین نظام بهره برداری خرد دهقانی که با تمامی ابعاد زندگی روستاییان عجین و سازگار شده است شود؛ به عبارت دیگر در شرایط کنونی جامعه روستایی ایران امکان حذف مطلق خرد دهقانی وجود ندارد، بنابراین به ناچار باید در قسمتی از جوامع روستایی که امکان تغییر اندازه اراضی و بهبود سیستم کشت وجود ندارد راهکارهای دیگری برای بهبود معیشت روستاییان و شاخص های توسعه روستایی و همچنین کاهش مهاجرت روستا به شهر اندیشید؛ بدین منظور می توان از تجارب دیگر کشورها بهره جست.

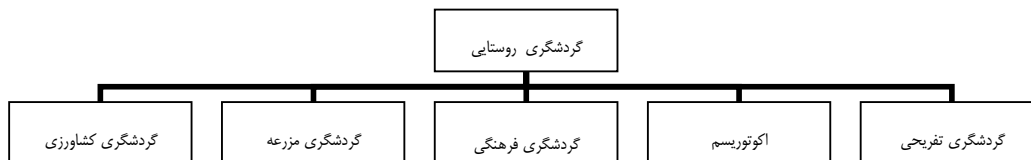
گردشگری روستایی

توسعه گردشگری روستایی به عنوان یک بخش ارزشمند و رشد یابنده در زمینه رهیافت اقتصادی مطرح است (ریچارد شارپلی، 1380) و گردشگری می تواند به عنوان ابزاری برای توسعه مناطق روستایی جاذبه های خاص گردشگری باشد، چرا که این مقوله می تواند به عنوان یک منبع مالی جدید، وضعیت اقتصادی مردم محلی را بهبود و به عنوان منبعی در خصوص زدودن فقر باشد (Fossati & Panella, 2000; Giaoutzi & Nijkamp, Breidenhann & Wickens, 2004).

گردشگری روستایی عبارت است از فعالیت ها و گونه های مختلف گردشگری در محیط روستا و پیرامون آن؛ که در بردارنده اثری مثبت و منفی برای زیست بوم روستا می باشد (جوان وسقایی، ۱۳۸۳).

شکل ۳ دربرگیرنده گونه های گردشگری می باشد که به عنوان تقاضای عمده بازار گردشگری روستایی مطرح می باشند (همان)

شکل ۳- گونه های گردشگری روستایی



گردشگری روستایی می تواند نقش عمدهای در توانمندسازی مردم محلی و تنوع بخشی به رشد اقتصادی و نیز خلق فرصت های شغلی جدید در ارتباط تنگاتنگ با سایر بخش های اقتصادی ایفاء کند (خانی و همکاران، ۱۳۸۸) نتایج تحقیق ری^۲ و همکاران (۲۰۱۲) نشان داد که گردشگری روستایی پیامدهای بسیاری را بر اقتصاد محلی و روش زندگی مردم داشته و تغییرات



اجتماعی-فرهنگی متعددی را در جامعه مورد مطالعه به همراه داشته است. به عنوان مثال تسهیلات رفاهی مانند ارتباطات، خدمات بهداشتی، حمل و نقل و به طور کلی استانداردهای زندگی مردم بهبود یافته است. یکی دیگر از مطالعات صورت گرفته در این زمینه، پژوهشی است که توسط وانگ و پفیسر^۳ ۲۰۰۸ انجام گرفت این محققان نگرش ساکنان را در مناطقی که توسعه گردشگری در مراحل اولیه به سر می برد را نسبت به منافع شخصی و اقتصادی مورد بررسی قرار دادند. نتایج بیانگر آن است که نگرش جامعه میزبان نسبت به کسب مزایای اقتصادی مثبت است. به عبارت دیگر، گردشگری اثرات اقتصادی مثبتی بر جامعه داشته است. این در حالی است که در این تحقیق دیدگاه های غیر اقتصادی مورد بررسی قرار نگرفت. بر اساس مطالعه آرف^۴ (۲۰۱۱) گردشگری اثرات مثبتی بر کیفیت زندگی ساکنان منطقه دارد. در این تحقیق، مهم ترین این اثرات رفاه عاطفی، رفاه جامعه، اشتغال و درآمد بیان گردید. این در حالی است که این پدیده آثار منفی بر امنیت و اثرات ادراک شده سلامتی افراد منطقه داشته است در همین رابطه هارلمبولوس و پیزام^۵ (۱۹۹۴) گردشگری را از دیدگاه ساکنان مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد گردشگری، پیامدهای منفی از جمله افزایش قیمت، اعتیاد، تخریب، هرج و مرج، و افزایش جرم و جنایت را در جامعه میزبان برجای گذاشته است. همچنین نتایج نشان دهنده نگرش مثبت افراد وابسته به صنعت گردشگری، نسبت به افرادی که این وابستگی درآمدی را ندارند، بود. در همین راستا در تحقیقی که توسط آلن و همکاران^۶ (۱۹۹۳) انجام شد، نگرش ساکنان روستاهای کلرادو مورد بررسی قرار گرفت. در این مطالعه، جوامع روستایی از لحاظ شاخص اقتصادی و توسعه گردشگری به دو گروه تقسیم شدند. یافته های این پژوهش نشان داد که مناطقی که از لحاظ اقتصادی و توسعه گردشگری دارای هماهنگی هستند نگرش ساکنان آنان مثبت تر از جوامعی است که بین شاخص اقتصادی و توسعه گردشگری آنان این هماهنگی وجود ندارد. به عبارت دیگر در جوامعی که از لحاظ اقتصادی در سطح بالا و از لحاظ توسعه گردشگری در سطح پایینی قرار دارند یا بالعکس، نگرش چندان مثبتی به توسعه گردشگری ندارند. همچنین نتایج نشان داد که نگرش افراد ارتباط معناداری با فعالیت های اقتصادی منطقه دارد.

صنایع روستایی

در حال حاضر یکی از مهمترین راه حل های ممکن برای حل مشکلات روستاها و بخش کشاورزی استقرار صنایع کوچک روستایی است. نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی به عنوان یک کاتالیزور در جهت ایجاد اشتغال پایدار به عنوان آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر مناطق روستایی، هم اینک بخشی بالقوه در جهت حل مشکل بیکاری و عاملی تسکین دهنده برای مناطق محروم روستایی محسوب می شود (سامال، ۱۹۹۷)

پیامدهای استقرار متناسب صنایع روستایی در مناطق روستایی خشک و نیمه خشک این واقعیت را نشان می دهد که اشتغال زایی بخش کشاورزی را می توان راهبرد مناسبی برای اشتغال در این روستاها دانست و در این میان صنایع روستایی برای راهکار اشتغال زایی و افزایش درآمد روستاییان، نسبت به سایر فعالیت های غیرکشاورزی مفیدتر است. به عبارت دیگر، صنعتی شدن روستا و گسترش واحدهای فعالیت های غیرکشاورزی، عاملی مهم در افزایش رفاه، تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانواده

³ Wang & Pfister

⁴ Aref

⁵ Haralambopoulos & Pizam

⁶ Allen et al



های فقیر روستایی است. اثرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی، ضمن ایجاد اقتصادی فعال، می تواند دارای اثرات تکثری و نیز منجر به اقتصاد خود رانشی گردد. بنابراین، برنامه ریزی توسعه روستایی در این زمینه باید با بهره گیری از تحلیل فضایی و ارزشیابی پتانسیل های محیط، زمینه های هماهنگی جامعه روستایی را با محیط خود فراهم آورد (نوری، ۱۳۷۹)

بررسی های موردی درباره پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی، به خوبی این واقعیت را نشان می دهد که اشتغال زایی بخش غیرکشاورزی را می توان راهبرد مناسبی برای اشتغال روستایی دانست و در این میان صنایع روستاییب رای راهکار اشتغال زایی و افزایش درآمد روستاییان، نسبت به سایر فعالیت های غیرکشاورزی مفیدتر است (شایان، ۱۳۸۶) صنایع کوچک روستایی به لحاظ توانایی بالایی که در جذب نیروی کار دارند، منابع عمده ای برای کسب درآمد هستند که منجر به کاهش شکاف درآمدی در سطح روستا می گردد. این بخش می تواند برای گروه های کم زمین یا فاقد زمین که درآمد کشاورزی پاسخگوی نیازهایشان نیست، به ویژه در دوران رکود کشاورزی یعنی زمانی که تقاضا برای نیروی کار نسبت به فصل کاری کمتر است ایجاد اشتغال و درآمد نماید بی تردید اشتغال زایی این بخش از خروج نیروی کار از روستاها که عامل اصلی رشد لجام گسیخته حاشیه شهرها و مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی است، جلوگیری می کند (اسکینز، ۲۰۰۳)

صنایع دستی روستایی

گسترش صنایع دستی نیز یکی از گزینه های مناسب برای ایجاد اشتغال در جامعه خرده دهقانی است. منظور از صنایع دستی روستایی آن نوع از صنایع ساده و بدون پیچیدگی تکنیکی است که در روستا منبع در آمد و شغل تکمیلی محسوب می شود و روستاییان در مواقع بیکاری فصلی بدان می پردازند. خانوار روستایی از مواهب صنایع دستی استفاده می کند تا بدین وسیله بتواند هم از اتلاف وقت خود جلوگیری کند و هم کالایی را تولید کند و در نهایت به نیازهای مصرفی خانواده خود پاسخی بدهد. صنایع دستی روستایی در واقع، مکمل فعالیت های زراعی و دامپروری دهقانان است. این بخش از فعالیت تولیدی، که کار زنان و کودکان است، جنبه تولید خانوادگی دارد و بر تولید افزارمندی مبتنی نیست. از این رو، بیشتر به مصرف خانوارهای روستایی می رسد و تنها مازاد آن به بازار عرضه میشود. نوع صنایع دستی و روستایی تابع محیط جغرافیایی و طبیعی است؛ زیرا این محیط است که مواد اولیه صنایع را در اختیار مردم قرار می دهد. از سوی دیگر، توسعه صنایع دستی حرفه ای در مناطق مختلف کشور تحت تأثیر توزیع منطقه ای میزان بارندگی و مقدار آب منطقه قرار دارد. از این رو، هر کجا میزان بارندگی کم است، صنعت دستی حرفه ای در آن رواج بیشتری داشته است. درآمد روستاییان از محل صنایع دستی در همه جای ایران یکسان نیست، بلکه در برخی از مناطق کمتر و در جا ی دیگر بیشتر است. چنانچه در پاره ای از مناطق روستایی درآمد اصلی خانوارهای دهقانی تنها از قالیبافی یا پارچه بافی تأمین می شود و در مقابل، مناطق دیگری نیز وجود دارد که سهم درآمد حاصل از صنایع دستی آنها در درآمد کل روستا نیان ناچیز است. (تقوی، ۱۳۸۱).

نتیجه گیری و پیشنهاد

توجه به تجارب کشورهای موفق مؤید این نکته مهم است که ایجاد و گسترش صنایع دستی و صنایع روستایی و توسعه توریسم سهم مهمی - حتی بالاتر از سهم کنونی بخش کشاورزی این کشورها می تواند در ایجاد کار و درآمد برای روستا نیان داشته باشد. -صنعت گردشگری که مطابق اظهارات سازمان جهانی گردشگری از لحاظ انتقالات پول خارجی جایگزین نفت شده است در ایران دارای ظرفیت های فراوانی است؛ زیرا ایران از سیزده اقلیم شناسایی شده در جهان دارای یازده اقلیم است.



علاوه بر این داشتن رتبه دهم از لحاظ وجود آثار تاریخی و فرهنگی، رتبه پنجم از لحاظ صنایع دستی در جهان نیز از دیگر مزیت ها و ظرفیت های این صنعت در ایران است که می تواند به وسیله کارآفرینان مورد توجه و بهره برداری قرار بگیرد. با توجه به آمارها و شواهد، فرصت های ناشناخته فراوانی در صنعت گردشگری که در روستاهای ایران وجود دارد و از آنجا که صنعت گردشگری یک صنعت پویاست و نیازمند عرضه خدمات متنوع و گوناگون است، کارآفرینان می توانند با ایده های نو و کارآفرینانه ضمن بهره برداری از مزیت ها و ظرفیتهای ناشناخته و بالقوه در روستاهای ایران، باعث رونق در صنعت گردشگری و توسعه روستاهای ایران شوند.

-باتوجه به بالا بودن میانگین سهم شغل اصلی (کشاورزی) از کل درآمد هر خانوار، از این رو فشار فزاینده ای بر اراضی کشاورزی برای تأمین معاش منجر به خردشدن بیشتر اراضی خواهد شد، لذا توسعه مشاغل غیرکشاورزی، به ویژه صنایع کوچک روستایی، برای اشتغال روستاییان نقش مهمی در جلوگیری از قطعه قطعه شدن اراضی زراعی می تواند داشته باشد.
-ضوابطی برای جلوگیری از پراکندگی اراضی کشاورزی از طریق اصلاح قوانین تقسیم زمین تدوین شود. تصویب قوانینی در زمینه اندازه بهینه زمین کشاورزی در مناطق مختلف مانند کمترین اندازه زمین، که قابل تفکیک نباشد، مشخص شود. از این طریق می توان مانع از تقسیم شدن بیشتر قطعات اراضی کشاورزی شد.

منابع

- عبداللهی، محمد (۱۳۷۷)، نظام های بهره برداری، مطالعه تطبیقی نظام های بهره برداری کشاورزی وارزشیابی عملکرد آنها تهران: معاونت امور نظام های بهره برداری وزارت کشاورزی.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی. تهران: اطلاعات.
- قنبری، یوسف؛ نوری، هدایت الله (۱۳۸۶) مقایسه نظام های بهره برداری از نظر دسترسی به برخی شاخصهای توسعه روستایی: مطالعه موردی استان اصفهان، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶، صفحات ۳۹
- بدری، سیدعلی و همکاران (۱۳۹۰) نقش نظام های بهره برداری زراعی (خانوادگی) در توسعه پایدار روستایی، پژوهش های جغرافیای انسانی، شماره 76، تابستان 1390 صص ۳۳-۴۸.
- ازکیا، مصطفی؛ غفاری (1383). توسعه روستایی با تأکید بر جامعه شناسی روستایی ایران. چاپ اول. تهران: نشر نی.
- نجفی(1382)، تحولات نظام بهره برداری کشاورزی در ایران. نگاهی به تعاونیهای مشاع. فصلنامه پژوهشی اقتصاد کشاورزی و توسعه.
- قدیمی، سید علیرضا و همکاران (۱۳۹۱) بررسی دلایل عدم پذیرش طرح یکپارچه سازی اراضی و ارایه راهکارهایی برای یکپارچه سازی اراضی کشاورزی، مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران شماره ۴، دوره ۲.
- وثوقی، فرجی، (۱۳۸۵) پژوهشی جامعه شناختی در زمینه عوامل مؤثر بر تمایل کشاورزان به مشارکت در یکپارچه سازی اراضی مزروعی. فصلنامه جامعه شناسی ایران، سال ۷، شماره ۲.
- تقوایی (۱۳۷۶) معرفی و مقایسه زمانی مکانی عوامل مؤثر در خرد شدن و پراکندگی اراضی زراعی و مسئله یکپارچه سازی، نشریه علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان شماره ۹.
- کمیته برنامه ریزی توسعه توانایی های تولید (1376). گزارش گروه کار و توسعه تعاونی های تولید روستایی. تهران: مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.



لهسایی زاده، ع. (1375). جامعه شناسی کشاورزی، چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات.
امیرانی، محمد. (1379). بررسی نظام های بهره برداری از زمین در ایران (تلخیص شده از پروژه 2 طرح 1 مجموعه گزارش های مطالعاتی طرح تدوین نظام ترویج کشاورزی ایران، قسمت اول)، ماهنامه جهاد، شماره های 228-229.
ترکمانی، جعفری (1377). عوامل مؤثر در توسعه سیستم های آبیاری تحت فشار در ایران. فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره 36

توده روستا، م. (1382). خصوصی سازی ترویج در کشور: مشکلات و راهکارها. مجله جهاد، سال بیست و سوم، شماره 261

جوان، جعفر، سقایی، مهدی (۱۳۸۲) مجموعه مقالات سمینار بررسی سیاست ها گردشگری روستایی و توسعه و برنامه های توسعه جهانگردی در ایران، اردیبهشت ماه ۱۳۸۲.

خانی، فضیله. قاسمی، ابوطالب. و قنبری نسب، علی (1388)، بررسی اثرات گردشگری ساحلی با تکیه بر نظرسنجی از خانوارهای روستایی، جغرافیای انسانی، سال 1، شماره 4.

شایان، شاهی اردبیلی (۱۳۸۶) نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد، فصلنامه روستا و توسعه، سال دهم، شماره 2.

نوری (۱۳۷۹)، "تحلیل فضایی در جغرافیای کشور"، مجله پژوهش های جغرافیایی، سال هشتم، شماره ۲۰.

دبلیو لانگ ورث، جان (۱۳۷۹) توسعه روستایی چین با مقایسه های بین المللی؛ ترجمه مصطفی مهاجرانی، موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی.

مهاجرانی، مصطفی (۱۳۸۲): "ریشه های تحولات اخیر چین و پیامدهای آن"؛ نشریه جهاد سازندگی، سال ۲۳، شماره ۲۵۸.

توسعه روستایی و کارآفرینی روستایی در چین، اندیشگاه شریف، سازمان همیاری اشتغال فارغ التحصیلان

[com.http://www.tafahomnews](http://www.tafahomnews.com)

رحمانی، خلیل نقوی، محمدرضا (۱۳۹۱) صنعتی شدن روستایی چین، آموزش جغرافیا، دوره بیست و هفتم، شماره 2.

مطیعی لنگرودی، سید حسن (۱۳۸۲)، برنامه ریزی روستایی با تأکید بر ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

World Summit on Sustainable Development (2003), Projects for Sustainable Agriculture and Rural Development, Designing New Policy Packages for SARD in Mountain Regions. Johannesburg .

Crecente, R.; Alvarez, C. (2002), "Una revision de la concentracion parcelaria en Europa". Revista de Estudios Agrosociales y Pesqueros. No .187, pp. 221– 273.

Skinner, N. M., Alun, E. J. and Kuhn, R. G., (2003), "Social and Environmental regulation in rural china." Geoforum, Vol 34, No 2.

Wang, Yasong., & Pfister, Robert. E. 2008, Residents' attitudes toward tourism and perceived personal benefits in a rural community. Journal of travel research, p. 1-10.

Aref, Fariborz. (2011), the effects of tourism on quality of life: A case study of Shiraz, Iran. Journal of Life science, 8(2): 26-30.

Haralambopoulos, Nicholas. & Pizam, Abraham. (1996), Perceived impacts of tourism: The case of Samos, Annals of tourism research. 23(3):503-526.

Allen, Lawrence. R., Hafer, Harry. R., Long, Patrick T., & Perdue, Richard. R. (1993), rural residents' attitudes toward recreation and tourism development. Journal of travel research, 31(4): 27-33.

Samal Kishore. C., (1998), "Rural non-Farm Activities in specific Regiions of Orissa," Journal of Rural Development, Vol. 16, No. 3, pp. 1-26.

Taylor, J. G. (1979), From Modernization to Modes of Production: A Critique of the Sociologies



- Chayanov, Alexander. V. (1977), on the Theory of Non - Capitalist Economic Systems. In: Rhada Halpuin & James Dow (eds), Peasant Livelihood: Studies in Economic Anthropology and Cultural Ecology, NY: St Martins.
- Galeski, B. (1987), Family Farming in Europe and America, Westview Pr.
- Simons, s. (۱۹۸۸). Land fragmentation in developing countries: the optima choice and policy impelementoin. Proceeding of conference of international Agricultural Economist oxford university press. Oxford, pp : ۷۰۳-۷۱۲.
- Rafael, C. & et al. (۲۰۰۲). Economic social and Environmental impact of land consolidation in Galicia. Land Use Policy. ۱۹, ۱۳۵-۱۴۷.
- FAO, 2004. FAOSTAT
- U.S. Department of Commerce (2000), 'Statistical Abstract of the United States, 2000,' Bureau of the Census, Washington D.C.
- Dijk Van, T. (2002), "Central European land fragmentation in the years to come: a scenario study into the future need for land consolidation in central Europe". Paper presented at FIG XXII International Congress, Session IV- Land Consolidation in Europe. Washington, D. C., April 19-26.
- Sonnenberg, J. (2002), "Fundamentals of land consolidation as an instrument to abolish fragmentation of agricultural holdings". Paper presented at FIG XXII International Congress, TS Land Consolidation and Farm Management. Washington, D. C., April 19-26.
- Lindenmaier, F.; Zehe, E. and Ihringer, J. (2003), "Impact of land consolidation on flood formation in small catchments". Geophysical Research Abstracts, Vol. 5, No. 8, pp. 412-423.
- Fossati, A. & Panella, G. (2000). Tourism and sustainable development: a theoretical framework. In A. Fossati, & G. Panella (Eds.), Tourism and sustainable economic development (pp. 3 - 36).
- Giaoutzi, M., & Nijkamp, P. (2006). Emerging trends in tourism development in an open world. In M. Giaoutzi, & P. Nijkamp (Eds.), Tourism and regional development: New pathways (pp. 1 12). Aldershot, UK: Ashgate Publishing Ltd.
- Breidenhann, J., & Wickens, E. (2004). Tourism routes as a tool for the economic development of rural areas vibrant hope or impossible dream? Tourism Management, 25(1), 71- 79.
- Panth, D. (2006). The Scope of Education for Sustainable Development. Osmania University Post. Available at: <http://www.cceindia.org/esf/download/paper43.pdf>
- Ray, Nilanjan, Das, Dillip Kumar., Sengupta, Partha Pratim., & Ghosh, Sukanya. (2012), rural tourism and its impact on socioeconomic condition: evidence from west Bengal, India, Global Journal of Business Research, 6(2): 11-22.